

دانشگاه گیلان  
دانشکده علوم کشاورزی

گروه توسعه روستایی

پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان:

بررسی اثرات جهانی شدن اقتصاد بر اشتغال و توزیع درآمد در بخش کشاورزی  
ایران

از:

معصومه جمشیدی

استاد راهنما:

دکتر زهرا امیری

استاد مشاور:

دکتر مسعود میرزایی

اطلاعات درک کمی بران  
تسویه مدارک

۱۳۸۸/۶/۱۱

اسفند ۸۲



۱۱۶۰۴۳

به رسم ادب و احترام

تقدیم به

پدر عزیزم، که آرامشم بود و نمی دانستم

و به مادر مهربانم

که بر شالی ترین نقطه قلمم حاکم است.

به سگزاره نعمت های بی دریغ خداوند که شوق دانستن و توفیق تحصیل عطا کرد بر خود واجب می دانم که از تمامی کسانی که مراد پیمایش طریق علم و دانش یاری نمودند تشکر و قدردانی نمایم:

از خانواده عزیزم که همیشه پشتیبان و مشوق من در مسیر تحصیل علم و دانش بوده اند متواضعانه تشکر و قدردانی می نمایم.  
از استاد ارجمند جناب آقای دکتر مسعود میرزایی که زحمت مشاوره پژوهش حاضر را بر عهده گرفتند کمال تشکر و قدردانی دارم.

از آقای دکتر رمضانپور و آقای دکتر علیپور که زحمت بازخوانی و داوری این پایان نامه را بر عهده داشتند سپاسگزارم.  
از سرکار خانم مهندس ساسانی نماینده محترم تحصیلات تکمیلی بسیار ممنون و متشکرم.

از اساتید گرامی و توسعه روستایی جناب آقای دکتر منہاج، دکتر فوجی و دکتر معتمد تشکر و قدردانی می نمایم.

از سرکار خانم مهندس شراره کاوسی به خاطر زحمتی که برای من کشیدند سپاسگزارم.

از دوستان عزیز و همکلاسی های خوبم و همچنین کسانی که در این دوره افتخار آشنایی با آنها را داشتم تشکر می کنم.

اما در پایان ...

ادب، احترام و سپاسگزاری ویژه از استاد راهنمای گرامی سرکار خانم دکتر زهرا امیری به پاس زحمات بی دریغ و صبر و حوصله

شان در مسیر نگارش این پایان نامه.

صفحه	عنوان
د	چکیده فارسی
ذ	چکیده انگلیسی
۲	مقدمه
۳	<b>فصل اول: مرور منابع</b>
۵	۱-۱- تعریف جهانی شدن
۷	۱-۲- ابعاد جهانی شدن
۱۰	۱-۳- عوامل تقویت کننده جهانی شدن اقتصاد
۱۱	۱-۴- ماهیت جهانی شدن
۱۱	۱-۴-۱- جهانی شدن به مثابه ی یک فرایند
۱۱	۱-۴-۲- جهانی شدن به مثابه ی یک پروژه
۱۱	۱-۴-۲- جهانی شدن به مثابه ی یک پدیده
۱۲	۱-۵- دیدگاههای موافقان و مخالفان جهانی شدن اقتصاد
۱۲	۱-۶- تجربه جهانی شدن در چند کشور در حال توسعه
۱۲	۱-۶-۱- هند
۱۴	۱-۶-۲- چین
۱۵	۱-۶-۲-۱- بررسی تحولات اقتصادی کشور چین
۱۵	۱-۶-۲-۲- تجارت خارجی
۱۶	۱-۶-۳- تونس
۱۷	۱-۶-۴- مکزیک
۱۸	۱-۷- اثرات جهانی شدن
۱۸	۱-۷-۱- مبانی نظری رابطه جهانی شدن و توزیع درآمد
۱۸	۱-۷-۱-۱- جهانی شدن و نابرابری

۲۲	۷-۱-۱-۱- مطالعات انجام شده
۲۸	۷-۱-۲- جهانی شدن و اشتغال
۲۸	۷-۱-۲-۱- نظریه اشتغال کلاسیک
۲۹	۷-۱-۲-۲- نظریه اشتغال نئوکلاسیک
۲۹	۷-۱-۳- نظریه اشتغال کینز
۲۹	۷-۱-۴- سیاست های اشتغال
۳۰	۷-۱-۵- مطالعات انجام شده
۳۵	۸-۱- گزینش شاخص مناسب برای جهانی شدن
۳۵	۸-۱- شاخص های آزادی اقتصادی جهانی موسسه فریزر (EFW)
۳۷	۸-۲- شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج
۳۹	۸-۳- مطالعات انجام شده در زمینه شاخص آزادی اقتصادی
۴۲	۹-۱- شاخص های اندازه گیری توزیع درآمد و اشتغال
۴۲	۹-۱-۱- شاخص اندازه گیری اشتغال
۴۲	۹-۲- شاخص اندازه گیری توزیع درآمد
۴۲	۹-۲-۱- ضریب جینی
۴۲	۱۰-۱- ایران و فرایند جهانی شدن اقتصاد
۴۵	۱۱-۱- توزیع درآمد در ایران
۴۵	۱۱-۱-۱- روند نابرابری در ایران
۴۷	۱۲-۱- اشتغال در ایران
۴۸	۱۲-۱-۱- اشتغال در بخش کشاورزی ایران
۵۰	۱۲-۱-۱- مزیت های نسبی بخش کشاورزی برای ایجاد اشتغال
۵۲	فصل دوم: روش پژوهش
۵۳	۲-۱- بیان مسأله

۵۴	۲-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق
۵۴	۲-۳- فرضیات
۵۴	۲-۴- اهداف
۵۴	۲-۴-۱- هدف کلی
۵۵	۲-۴-۲- اهداف اختصاصی
۵۵	۲-۵- محدودیت ها و مشکلات اجرایی تحقیق
۵۵	۲-۶- روش شناسی تحقیق
۵۶	۲-۷- تحقیقات توصیفی را به دسته هایی به شرح زیر تقسیم بندی نموده اند
۵۶	۲-۸-۱- مطالعات سری زمانی
۵۶	۲-۸-۱-۱- اهداف سری های زمانی
۵۷	۲-۹- متغیرهای تحقیق
۵۷	۲-۹-۱- متغیر مستقل
۵۷	۲-۹-۲- متغیر وابسته
۵۸	۲-۱۰- جامعه آماری تحقیق
۵۷	۲-۱۱- تکنیک های جمع آوری اطلاعات و داده ها
۵۷	۲-۱۱-۱- استفاده از اسناد و مدارک
۵۸	۲-۱۲- تجزیه و تحلیل داده ها
۵۸	۲-۱۲-۱- روش حداقل مربعات معمولی (OLS)
۵۹	۲-۱۲-۲- هم انباشتگی
۵۹	۲-۱۲-۲-۱- آزمون هم انباشتگی یوهانس جوسلیوس
۶۰	فصل سوم: نتیجه گیری و بحث
۶۱	۳-۱- جهانی شدن و توزیع درآمد در بخش کشاورزی ایران

۶۱	۲-۳- برآورد ضریب جینی در بخش کشاورزی ایران
۶۵	۳-۳- برآورد مدل اول: تأثیر جهانی شدن بر توزیع درآمد در بخش کشاورزی ایران
۶۸	۴-۳- برآورد مدل دوم، آثار جهانی شدن بر اشتغال در بخش کشاورزی ایران
۷۱	پیشنهادات تحقیق
۷۲	منابع
۷۹	پیوست‌ها



صفحه	فهرست جدول ها
۳۷	جدول (۱-۱): رتبه بندی برخی کشورها از نظر شاخص آزادی اقتصادی موسسه فریزر
۳۸	جدول (۲-۱): رتبه بندی برخی کشورها از نظر شاخص آزادی اقتصادی هریتیج
۴۳	جدول (۳-۱): شاخص های فریزر و هریتیج در چند کشور منتخب
۴۵	جدول (۴-۱): ضریب جینی و نسبت سهم بالائیت دهک درآمدی به پایین ترین در ایران
۴۷	جدول (۵-۱): نرخ بیکاری در ایران، بخش شهری و روستایی
۶۱	جدول شماره (۱-۳): متوسط درآمد سالانه خانوار از مشاغل آزاد کشاورزی در هریک از دهک های درآمدی سال ۱۳۸۱*
۶۳	جدول (۲-۳): ضریب جینی در بخش کشاورزی ایران
۶۵	جدول (۳-۳): نتایج بدست آمده از آزمون پایایی دیکی و فولر تعمیم یافته
۶۶	جدول (۴-۳): نتایج آزمون اثر در مدل اول. (C مقید و بدون روند)
۶۶	جدول (۵-۳): نتایج آزمون حداکثر مقدار ویژه در مدل اول. (C مقید و بدون روند)
۶۷	جدول (۶-۳): برآورد بردار هم انباشتگی یوهانس. مدل اول
۶۸	جدول (۷-۳): نتایج دیکی - فولر تعمیم یافته برای متغیرها

صفحه

فهرست نمودارها

۴۶

نمودار (۱-۱-) روند ضریب جینی کل کشور

۴۶

نمودار (۱-۲-) نسبت سهم درآمدی بالاترین دهک به پایین ترین دهک

۶۲

نمودار شماره (۳-۱-): منحنی لورنز مشاغل آزاد کشاورزی سال ۱۳۸۳

۶۴

نمودار شماره (۳-۲-): روند توزیع درآمد در بخش کشاورزی ایران

۶۴

نمودار شماره (۳-۳-): روند توزیع درآمد در بخش کشاورزی ایران

## بررسی اثرات جهانی شدن اقتصاد بر توزیع درآمد و اشتغال در بخش کشاورزی ایران.

معصومه جمشیدی

جهانی شدن از مناقشه آمیز ترین موضوعات فراروی کشورها در عصر کنونی است که در مورد آن اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد، و بررسی آثار و پیامدهای گسترده این فرایند بر ابعاد مختلف زندگی انسان از جمله آثار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن توجه خاص اندیشمندان، سیاستمداران و اقتصاددانان را به خود جلب کرده است. تجارب نشان دادند که تأثیرات بعد اقتصادی جهانی شدن قابل مشهودتر است. این بررسی ها، قبل از همه نیازمند کمی کردن پدیده جهانی شدن و ساخت و بکارگیری شاخص مناسب برای اندازه گیری آن می باشد. لذا شاخص آزادی اقتصادی موسسه فریزر EFW را به عنوان شاخص جهانی شدن انتخاب نمودیم. توزیع درآمد و ایجاد اشتغال از جمله شاخص های مهم توسعه اقتصادی در کشور ایران به شمار می روند، و می توان میزان توسعه یافتگی کشور ایران را بر اساس پیشرفت در این دو شاخص مهم مورد بررسی قرار داد.

اجرای مدل رگرسیونی در یک دوره زمانی ۱۵ ساله (۸۵-۱۳۷۰)، با استفاده از شاخص EFW نشان می دهد که این فرایند بر روی اشتغال در بخش کشاورزی ایران تأثیر مثبت دارد و باعث افزایش جمعیت شاغل در بخش کشاورزی شده است. همچنین استفاده از آزمون هم انباشتگی یوهانس-جوسلیوس در همان دوره، حکایت از آن دارد که این فرایند نابرابری درآمدی در بخش کشاورزی ایران را تشدید کرده است.

کلید واژه ها: جهانی شدن اقتصاد، بخش کشاورزی ایران، توزیع درآمد، اشتغال، هم انباشتگی یوهانس-جوسلیوس.

## Abstract

Investigation of the impacts of economic Globalization on employment and income distribution in Agricultural sector in Iran

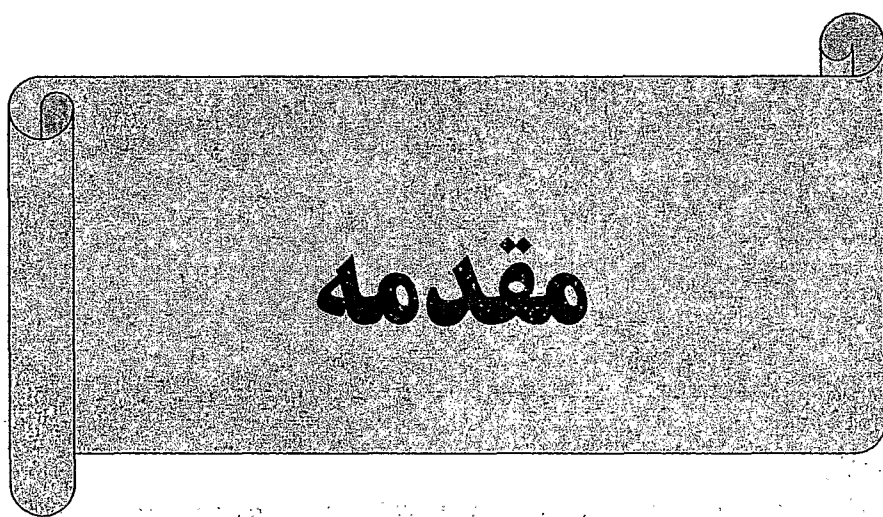
Masoumeh Jamshidi

The globalization is one of the most arguable matters facing countries in today's world. There are many different opinions concerning this issue, and investigation of the vast result of this process on the different dimensions of human life such as political, economical, social and cultural has been highly notified by scientists, politicians and economists around the world. Before anything, these investigations require quantifying of the phenomenon creating and utilizing of suitable indicators for measuring economic Globalization. In this thesis, we would like to investigate various effects of economic globalization on employment and income distribution in the agricultural sector in Iran. Thus, we applied to Economic Freedom of the World Index, as a economic globalization index.

Constructing the regression models in 15 years period (1370-1385), by using "Economic Freedom of the World" as "Economic Globalization Index" shows that, in the agricultural sector in Iran, this process has a positive effect on employment, and it has increased the number of labor force.

Constructing the Johansen-Juselius Cointegration, in the same period that, this phenomenon intensifies income inequality in the agricultural sector in Iran.

**Key Words:** Economic Globalization, Agricultural sector in Iran, Income Distribution, Employment, Johansen-Juselius Cointegration.



## مقدمه

از اواخر دهه ۱۹۹۰، واژه جهانی شدن<sup>۱</sup> تقریباً همه روزه در روزنامه ها و گزارش های رسانه های گروهی در ارتباط با اخبار اقتصادی-اجتماعی به چشم می خورد. مقوله جهانی شدن غیر از اقتصاد در پیوند با مسائل دیگری نیز بکار می رود. برای مثال، درباره جهانی شدن فرهنگ و اکولوژی نیز سخن به میان می آید اما بیشتر در زمینه های اقتصادی بدان تکیه می-شد [تیموری، ۱۳۸۴].

آیا جهانی شدن به این مفهوم است که وارد دوران تازه ای شده ایم که یک رشته پیامدهای خوب و بد برای همگان دارد؟ یا تنها یک نام جدید است، مقوله ای باب روز در یک روند طولانی؟ یا واژه ای ساده است که سیاست مداران آنرا به منظور فرار از مسئولیت و توجیهی برای هر آنچه اتفاق می افتد و انسان نمی تواند اثری بر آن بگذارد، به کار می گیرند؟ آیا این روند جبر تاریخ است یا می توان آن را متوقف ساخت؟ [چمبرز، ۱۳۷۶]. بیشتر تحلیل گران کشورهای جهان سوم، ظهور و بروز پدیده های مزمن و پیچیده در دنیای در حال توسعه را با پدیده جهانی شدن مرتبط می دانند [پاپلی یزدی، ۱۳۸۱]. این افراد را می توان در دو دسته جای داد: طرفداران دهکده جهانی<sup>۲</sup> که همه مظاهر و نمادهای فرهنگ غرب را فی نفسه خوب می دانند و تنها راه درمان دردهای کهنه و عقب ماندگی های این کشور را در پیروی از الگوهای کشورهای شمال می دانند. از سوی دیگر طرفداران دهکده محلی بر برتری و ارزیابی مثبت از فرهنگ بومی پای می فشارند و توسعه و پیشرفت کشورهای جنوب را نه در تقلید از جهان پیشرفته که در بازآفرینی عناصر فرهنگی غنی خود در گذشته می دانند. در این مقام ذکر این نکته ضروری است که ضمن واقع گرا بودن در مواجهه با این پدیده، باید با ارزیابی مثبت و همه جانبه از جهانی شدن ضمن ستفاده از فرصت های حاصله، در تبدیل این تهدیدها به فرصت ها نیز در مقطع کنونی فعالیت کرد. [تیموری، ۱۳۸۴]. جهانی شدن فرایندی است که وابستگی متقابل بین دولت ها و جوامع در سراسر جهان گسترش داده و تشدید می کند. اگر چه وابستگی متقابل اقتصادی کشورها از ویژگی های بارز اقتصاد بین المللی در قرن نوزدهم و بیستم است، اما تحولات کنونی در عرضه جهانی شدن موجب گسترش این وابستگی متقابل گردیده و با پیشرفت تکنولوژی، ارتباطات و حمل و نقل بر سرعت آن افزوده شده است [خور، ۱۳۸۳]. به بیان ساده جهانی شدن، به معنای گسترش مقیاس، رشد اندازه، سرعت یافتن، و تعمیق اثر فرا قاره ای جریان ها و الگوهای تعامل اجتماعی است. جهانی شدن، جابجایی یا دگرگونی در مقیاس سازماندهی انسانی است که جامعه های دوردست را به یکدیگر می پیوندد و دسترسی به روابط قدرت

<sup>۱</sup> - Globalization

<sup>۲</sup> - Global Village

را در مناطق و قاره ها گسترش می‌دهد. اما نباید آن را ناشی از ظهور یک جامعه جهانی هماهنگ، یا به عنوان یک فرایند گسترده ادغام جهانی به شمار آورد که در آن فرهنگ ها و تمدن ها همگرایی فزاینده پیدا می‌کنند. زیرا نه تنها آگاهی از فشرده‌گی فزاینده موجب دشمنی ها و درگیری های فزاینده می‌شود، بلکه ممکن است به سیاست های ارتجاعی و بیگانه‌هراسی ریشه دار دامن زدند [هلد و مک گرو، ۱۳۸۲].

امروزه نشانه های جهانی شدن در بسیاری از زمینه ها همچون اقتصاد، سیاست و فرهنگ در حال ظاهر شدن است. شواهد بیانگر آن است که در هیچ حوزه ای به اندازه اقتصاد، پدیده جهانی شدن پیشرفت نداشته است. جهانی شدن اقتصاد و بازارهای مالی خود ناشی از پیشرفت های صورت گرفته در زمینه ارتباطات و تکنولوژی های ارتباطی است. [جعفری، ۱۳۸۰]. در واقع جهانی شدن اقتصاد پدیده ای بسیار مهم، اساسی و تازه ای است که بویژه در تحلیل طبیعت و ساختار نظام اقتصادی سیاسی و بین الملل در دوران پس از جنگ سرد مورد تأکید قرار گرفت. از دید گروهی از صاحب نظران و دانشمندان سیاست و اقتصاد بین الملل، جهانی شدن اقتصاد مربوط به مجموعه ای از عوامل و عناصر جهانی و بین المللی است که خواهان گسترش و آسانی ارتباط متقابل و وابستگی متقابل میان دولت ها و نیز جوامع مدنی در سطح نظام اقتصاد سیاسی بین الملل است [رابرت، ۱۹۹۶]. به نظر برخی دیگر جهانی شدن اقتصاد به معنی از میان رفتن مرزهای ملی است و از ویژگی های آن ادغام تدریجی اقتصاد های ملی در اقتصاد بین الملل با گسترش حجم تجارت کالاها و خدمات سرمایه گذاری بین المللی است. در این شرایط عرصه اقتصاد بین الملل صحنه مبارزه کشورها به هم نیست، بلکه میدان مسابقه ای است که هر رقیب می‌خواهد برنده آن باشد [جوان، ۱۳۸۱].

اطلاع از چگونگی تأثیرات جهانی شدن اقتصاد بر متغیرهای کلانی چون توزیع درآمد و اشتغال ایران به دلیل اهمیت این متغیرها در تعیین میزان توسعه یافتگی کشور و به صورت اختصاصی تأثیر آن بر بخش کشاورزی به عنوان یکی از مهمترین بخش های اقتصادی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در این تحقیق قصد بر آن است که به بررسی تأثیر جهانی شدن اقتصاد بر اشتغال و توزیع درآمد در ایران پرداخته شود.

# فصل اول:

## کلیات و مرور منابع



## ۱-۱- تعریف جهانی شدن

تا کنون تعریف روشنی از "جهانی شدن"<sup>۱</sup> ارائه نشده است، زیرا این پدیده به حد تکاملی خود نرسیده و همچنان دستخوش تحول است و هر روز وجه تازه ای از ابعاد گوناگون آن مشخص و آشکار می شود [جعفری، ۱۳۸۰]. جیمز روزه نا [۱۳۷۹]، در این باره می گوید: "به علت تنوع و ابعاد گوناگون جهانی شدن و نیز به این دلیل که مفهوم جهانی شدن میان سطوح گوناگون تحلیل مانند اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ایدئولوژی ارتباط برقرار می کند، هنوز زود است از این پدیده تعریف کامل ارائه شود.

شاید اگر از ابتدا به این پرسش پاسخ داده شود که جهانی شدن چه چیز نیست، تعریف جهانی شدن با سهولت بیشتری انجام گیرد. جهانی شدن بین المللی شدن نیست، بین المللی شدن اقتصاد و جامعه به طور کلی به مجموعه جریان تبادلات مواد خام، کالاها، خدمات، پول، اندیشه ها و افراد بین دو یا چند کشور اشاره دارد. آمار تجارت، واردات و صادرات و انواع جابجایی ها بهترین شاخص و وسیله اندازه گیری ماهیت، وسعت و جریان بین المللی شدن تلقی می شود. جهانی شدن چند ملیتی شد نیست. چند ملیتی شدن عبارتست از انتقال عوامل تولید، به ویژه سرمایه، تکنولوژی و در سطح محدودتری نیروی کار، از یک اقتصاد ملی به یک اقتصاد ملی دیگر. سرمایه گذاری و تولید کالا توسط شرکت های چند ملیتی که به یک کشور تعلق دارند و به کشور یا کشورهای دیگر انتقال داده می شوند، در قالب مفهوم چند ملیتی شدن تعریف می شود. جهانی شدن جهانگرایی<sup>۲</sup> نیست. جهان گرایی ایدئولوژی نولیبرال برای تسلط بر بازار جهانی است. از این دیدگاه جهانی شدن یک واقعیت اجتناب ناپذیر تلقی می - شود [اخوان زنجانی، ۱۳۸۱].

سیزک، تعاریف سه گانه ای از جهانگرایی ارائه می دهد که عبارتند از: ۱- میزان وابستگی زندگی و آینده انسان ها به شبکه در هم تنیده بازار جهانی، ۲- فراگیر بودن یک امر کذب که استیلای ایدئولوژیکی را مطرح می سازد، ۳- فراگیر بودن یک ایده آل که در خواست های انقلابی مانند آزادی و برابری نماد پیدا می کند و لذا یک شورش دائمی را علیه نظم موجود به تحریک در می - آورد. آلن دوبنوا، جهانی شدن را با چهار محور تعریف می کند که عبارتند از: ۱- توسعه فراتر از دولت - ملت، ۲- گسترش تبادل ناشی از انقلاب ارتباطی و اطلاعاتی، ۳- تعارض جدید بین سرمایه و کار ناشی از قدرت جدید سرمایه مالی که همراه با جدایی جدید بین نیروی کار ماهر و نیروی کار یدی است، ۴- توسعه و گسترش تجارت جهانی از طریق پذیرش بازیگران جدید از کشورهای جدید [اخوان زنجانی، ۱۳۸۱].

آلبرو تعاریف چند گانه ای از جهانی شدن ارائه می دهد که ابعاد مختلف آن را مطرح می کند و لذا مکمل یکدیگر می باشند.

<sup>۱</sup> - Globalization

<sup>۲</sup> - Globalism

تعریف اول: جهانی شدن یعنی ابعاد جهانی پیدا کردن یا دادن ابعاد جهانی به پدیده‌ها. لذا جهانی شدن در موارد خاص یا موارد عام، یا در مطالعه انتزاعی آن روی چهار محور زیر تعریف می‌شود.

- ۱- انتشار فعال عملکردها، ارزش‌ها، فن‌آوری و دیگر تولیدات انسانی در سراسر جهان.
- ۲- نفوذ فزاینده عملکردها، ارزش‌ها و ... بر زندگی انسانها.
- ۳- مبنای قرار گرفتن پدیده جهانی شدن بصورت یک نیروی شکل دهنده اقدامات انسانی.
- ۴- متحول شدن افراد به دلیل کنش متقابل تحولات فوق..

تعریف دوم: جهانی شدن عبارتست از ابعاد جهانی پیدا کردن یا ابعاد جهانی دادن به پدیده‌ها در یک یا در هر چهار مورد تعریف اول.

تعریف سوم: یک دگرگونی تاریخی متشکل از موارد و شکل‌های مختلف محورهای چهارگانه تعریف اول.

بنابراین جهانی شدن از دو خصوصیت متعارض همزمان و مکمل برخوردار است. از یک سو جهانی شدن موجب افزایش پیوند‌ها بین انسان‌ها می‌شود. پیوند‌های فوق به چهار حوزه قابل تقسیم هستند. اولاً در حوزه ارتباطات با توجه به انقلاب ارتباطی، یک پیام، سریعاً بر همه نقاط جهان اثر می‌گذارد. و واکنش‌های سریعی را موجب می‌شود که آنها نیز به نوبه خود بر همه نقاط جهان سریعاً اثر می‌گذارند. ثانیاً در حوزه اقتصادی، تولید کالاها و خدمات نتیجه تقسیم کار بین المللی در سطح جهان می‌باشد. ثالثاً کالاها و خدمات به شکل کاملاً مشابهی در سراسر جهان ارائه داده می‌شوند. و بالاخره در حوزه اجتماعی و فرهنگی انگاره‌ها یا شمایی در سراسر جهان شناسایی می‌شوند و مقبولیت پیدا می‌کنند. عوامل فوق موجب پیدایش پدیده‌های کاملاً جهانی مانند کارمندان جهانی، مدیران جهانی، شرکت‌های جهانی و تحلیل‌گران جهانی می‌شوند. از سوی دیگر، موجب گسست در پیوندها می‌شود. جهانی شدن به مفهوم زوال پدیده محلی نیست چرا که من باب مثال یک کارخانه که نوعی فعالیت اقتصادی محلی است، برای بازار جهانی فعالیت می‌کند. همزمان مقاومت نسبت به جهانی شدن به اقدام در سطح محلی منجر می‌شود. [اخوان زنجانی،

[۱۳۸۱]

امانوئل ریشر، جهانی شدن را شکل‌گیری شبکه‌ای می‌داند که طی آن اجتماعاتی که بیش از این در کره‌خاکی دور افتاده و منزوی بودند، در وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می‌شوند [صدقت، ۱۳۷۹]. تعریف واترز [۱۳۶۹]، از جهانی شدن بدین قرار است: "فرایندی اجتماعی که در آن قید و بند‌های جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده‌ای از کاهش این قید و بند‌ها آگاه می‌شوند.

امروزه نشانه های جهانی شدن در بسیاری از زمینه ها همچون اقتصاد، سیاست، فرهنگ و... در حال ظاهر شدن است و یکی از ملموس ترین این حوزه ها اقتصاد است که این حوزه با عنوان جهانی شدن اقتصاد مورد تأکید و توجه فراوان پژوهشگران است. در واقع جهانی شدن اقتصاد (یکی از زمینه های جهانی شدن) پدیده ای بسیار مهم، اساسی و تازه است که به ویژه در تحلیل ساختار نظام اقتصادی، سیاسی و بین المللی در دوران پس از جنگ سرد مورد تأکید قرار گرفت. از دید گروهی از صاحب نظران و دانشمندان سیاست و اقتصاد بین الملل، جهانی شدن اقتصاد مربوط به مجموعه ای از عوامل و عناصر که خواهان گسترش و آسانی ارتباط و وابستگی متقابل میان دولت ها و نیز جوامع مدنی در سطح نظام اقتصاد سیاسی بین الملل است. به نظر برخی دیگر جهانی شدن اقتصاد، به معنی از میان رفتن مرزهای ملی است و از ویژگی های آن ادغام تدریجی اقتصاد های ملی در اقتصاد بین الملل با گسترش حجم تجارت کالا و خدمات، سرمایه گذاری مستقیم خارجی و سرمایه گذاری در سهام و جهانگردی بین المللی است. در این شرایط عرصه اقتصاد بین المللی صحنه مبارزه کشورها با هم نیست بلکه میدان مسابقه ای است که هر رقیب می خواهد برنده آن باشد. در علم اقتصاد، جهانی شدن به معنای افزایش آزادی افراد و نگاه ها برای داد و ستد با افراد و نگاه ها در دیگر کشورها تعریف می شود. در این فرایند بازارهای داخلی به روی عرضه کنندگان خارجی باز می شود و عرضه کنندگان داخلی نیز به بازارهای خارجی دست می یابند. ویژگی کلیدی این فرایند آن است که موانع بر سر راه داد و ستد با افراد و نگاههای فرامرزی کاهش می یابد.

نوازش علی [۱۹۹۸] در تعریف جهانی شدن اقتصاد بیان می دارد که جهانی شدن اقتصاد اشاره به رشد وابستگی اقتصادی بین کشورها در سطح جهان و افزایش حجم و نوع مبادلات مرزی کالا و خدمات و افزایش جریان سرمایه بین المللی و همچنین تسریع انتقال تکنولوژی دارد.

با جهانی شدن اقتصاد، اقتصاد کشورهای جهان به شدت به هم وابسته می شود، موانع گمرکی و تجاری به حداقل ممکن کاهش می یابد و نقل و انتقالات مالی بین کشورها به آسانی صورت می گیرد. جهانی شدن به مفهوم کاهش قدرت کنترل دولت بر نقل و انتقالات مالی و فن آوری است. همچنین، جهانی شدن به مفهوم توسعه تجارت و تولید به منظور یکپارچه کردن بازار بین المللی است. با جهانی شدن پسوند "ملی" برای مواردی مانند سرمایه، انواع کالا و محصولات و اوراق بهادار، تا حد زیادی مفهوم خود را از دست می دهد. جهانی شدن اقتصاد و بازارهای مالی - اگر چه اخیراً مطرح شده است، اما می توان گفت که موضوع جدیدی نیست و در واقع ریشه آن به رشد تجارت بین الملل در قرن نوزدهم و تولید فراملی در قرن بیستم باز می گردد. یک گام مهم به

سوی جهانی شدن اقتصاد، توافقات کنفرانس برتن وودرز<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۴ بود که دولت‌ها را از اتخاذ سیاست‌های ملی‌گرایی اقتصادی منع کرد. گام دیگر، موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت<sup>۲</sup> بود که تمایل به آزادسازی اقتصادی داشت. انتشار کتاب دهکده جهانی مک لوهان در سال ۱۹۶۵، انتشار کتاب موج سوم آلوین تافلر در سال ۱۹۸۷، پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی در سالهای ۱۹۸۹-۹۱ و تأسیس سازمان تجارت جهانی (WTO)<sup>۳</sup> در سال ۱۹۹۵، همگی زمینه را برای جهانی شدن فراهم می‌کنند [جعفری ۱۳۸۰].

بهالا و لاپیر [۱۹۹۹]، جهانی شدن اقتصادی را فرایندی دانسته‌اند که ویژگی‌هایی به این شرح دارد: [مسعود نیا، ۱۳۸۳]

۱- سازماندهی مجدد فضایی تولید: روند فزاینده بین‌المللی کردن تولید و نیز توزیع کالاها و خدمات و بازاریابی آنها از ویژگی‌های فرایند جهانی شدن است. از نظر آنان جهانی شدن اقتصادی، الگوی تخصصی شدن جغرافیایی و رابطه مرکز-پیرامونی را سخت‌دگرگون کرده است، بدین معنا که کشورهای در حال توسعه به گونه چشمگیر مشارکت خود را در اقتصاد جهانی افزایش داده‌اند. سهم این کشورها در تجارت جهانی کالا از ۳۳٪ در میانه دهه ۱۹۸۰ به ۴۳٪ در سال ۱۹۹۵ رسیده است. با این روند پیش‌بینی می‌شود که چین در سال ۲۰۲۰ به بزرگترین اقتصاد جهان تبدیل خواهد شد. در آن صورت کشورهای در حال توسعه بیش از ۶۰٪ تولید جهانی را به خود اختصاص خواهند داد. گفتنی است که سهم بخش صنعتی از تولید ناخالص داخلی (GDP) در برخی از کشورهای در حال توسعه، از جمله چین (۳۸٪)، تایوان (۳۴٪)، و جمهوری کره (۳۱٪)، بالاتر از این نسبت در ژاپن در سال ۱۹۹۰ بوده است.

۲- رشد تجارت بین‌المللی: یکی از مشخصه‌های معمول جهانی شدن، سهم تجارت نسبت به تولید ناخالص داخلی است. در طول سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۴ این نسبت بیش از ۳ برابر سریعتر از دهه قبل و نزدیک به دو برابر سریعتر در مقایسه با دهه ۱۹۸۰ افزایش یافت. در سال ۱۹۹۳ سهم تجارت در تولید ناخالص داخلی جهان، در حدود ۳۲٪ بود. با پیدایش سازمان تجارت جهانی (WTO) و پذیرش ضوابط و مقررات آن از سوی ۱۲۳ کشور و ۳۱ کشور دیگر در سالهای ۱۹۹۶ جامعه جهانی گام‌های موثرتری در حذف موانع تجارت بین‌المللی برداشت.

۳- نقش رو به گسترش شرکت‌های چندملیتی: بر پایه گزارش سرمایه‌گذاری جهانی ملل متحد [۱۹۹۲] بیش از ۳۷۰۰۰ شرکت فراملی، نزدیک به ۷۵٪ تجارت جهانی را در کنترل داشته‌اند. از این رو شرکت‌های بین‌المللی، ۹۵٪ آنها در کشورهای توسعه‌یافته شکل گرفته بودند.

<sup>۱</sup> - Breton Woods

<sup>۲</sup> - General Agreement on Tariff and Trade

<sup>۳</sup> - World Trade Organization